



ضرورت وضع و تصویب قانون تکمیلی برای حل و فصل اختلافات و مسائل مربوط  
بازدواج و طلاق و لزوم نظارت و مراقبت بیشتر در امر خانواده با انقلاب تاریخی شاه و  
ملت و بسط عدالت اجتماعی در جمیع شئون کشور که مورد نظر خاص و تأکید شاهنشاه  
آریا مهرور و رهبر عالیقدر ایران است بسیار محسوس بود .  
همانطور که انتظار میرفت پس از مطالعاتی لایحه قانون حمایت خانواده تهیه و  
از طرف آقای وزیر دادگستری تقدیم مجلس شورای ملی گردید .

متن لایحه درج‌راید منتشر شد نکات ممتاز و مشخصه لایحه مزبور که میتوان آن خصوصیات را فلسفه تکوینی قانون حمایت خانواده دانست عبارت است از:

الف - تسریع در محاکمات مربوط به خانواده و ارجاع حکم

ب - توقف اجرای طلاق با اجازه دادگاه

ج - تحصیل اجازه از دادگاه نسبت به ازدواج مجدد در صورتیکه زوج متأهل

باشد .

این لایحه از نظر تحکیم بنیان خانواده و استقرار عدالت اجتماعی حائز کمال اهمیت است تعالیم عالیه اسلامی مربوط بر روابط زن و شوهر پدر و مادر و اطفال در ایجاد الفت و هم‌آهنگی در محیط مقدس خانوادگی و آنهمه تأکید و توصیه که شده است حاکی از عنایت خاص دین مقدس اسلام بر فاه و آسایش و صمیمیت خانواده میباشد زیرا اجتماع وسیع و نیرومند از خانواده های ثابت و صمیمی تشکیل میشود بنا بر این جای دارد هر چه بیشتر مواد لایحه مزبور مورد بحث و تحلیل قرار گیرد .

چنانچه آقای وزیر دادگستری هنگام تقدیم لایحه مزبور در مجلس شورای ملی بیان کردند در تهیه و تنظیم این لایحه مقررات و تعالیم مقدسه و عالییه اسلامی مورد توجه بوده و از آن منبع الهی الهام گرفته شده است و لذا قبل از بحث و تحلیل در مواد لایحه هر يك از جهات ممتازه لایحه مزبور را در این مقاله و مقالات بعدی از نظر اسلامی مورد بحث قرار خواهیم داد :

### الف - تسریع در محاکمات مربوط به خانواده و ارجاع بحکم

ضرورت اهمیت حذف تشریفات و مقرراتیکه موجب بطؤ جریان محاکمه و سرگردانی افراد عاقله است برای جلوگیری از پراکندگی و پاشیدن بنیان خانواده و اجرای عدالت قابل بحث نیست آنچه قابل توجه است ارجاع امر بحکم میباشد .

در کتب فقه اسلامی بایى راجع به قسم و نشوز و شقاق مطرح است که فصلی از آن

باحکام و مقررات مربوط بشقاق تخصیص داده شده .

شقاق در اصطلاح فقها عبارت از اختلاف بین زن و شوهر است که بیم مفارقت در آن میرود در قرآن کریم سوره نساء آیه ۳۹ چنین مقرر شده .

اگر بیم ناسازگاری بین زن و شوهر میرود بر حاکم است که دو حکم برایشان بگمارد یکی از طایفه مرد و دیگری از طایفه زن تا در کار ایشان نظر ودقت کنند اگر امکان اصلاح است باصلاح و اگر مصلحت در افتراق است بمفارقت اختلاف آنرا خاتمه دهند.

در تفسیر آیه شریفه روایات چندی از ائمه هدی سلام اله علیهم وارد شده است از همه گویاتر روایتی است از طریق عامه و خاصه رسیده است که زن و شوهری باتفاق جمعی از افراد قبیله طرفین بعنوان شکایت حضور امیرالمومنین علی علیه السلام شرفیاب شدند پس از آنکه هر يك شکایت خود را عرضه داشتند علی علیه السلام بدستور آیه مبارکه دونفر حکم بر آنها گماشت یکی از قبیله زن و دیگری از قبیله مرد پس از صدور قرار حکمیت خطاب بحکمین چنین فرمود آیا میدانید چه تکلیفی در این حکمیت بعهد شما است باید در کار آنها نظر ودقت کنید اگر صلاح آنرا در صلح و سازش دیدند کار آنرا بصلح خاتمه دهید اگر صلاح آنها در مفارقت وجدائی است بآن عمل کنید زن عرض کرد :

من راضی هستم بآنچه کتاب خدا درباره من مقرر داشته - مرد عرض کرد ،  
 من در جدائی حاضر نیستم - علی علیه السلام خطاب به آن مرد فرمود .  
 خلاف گفتمی از پیش من نخواهی رفت تا آنکه اقرار کنی بر آنچه این زن اقرار کرد .

فقهای اسلامی با توجه بمدارك فوق پس از اتفاق باینکه حکم مسئله در اختلاف بین زن و شوهر انتخاب حکم است مسئله شقاق را از چند جهت مورد بحث قرار دادند .

اول آنکه انتخاب حکم از وظایف حاکم است یا آنکه زوجین مستقلا مکلف با انتخاب حکم میباشند اکثر فقها انتخاب حکم را وظیفه حاکم منسوب که مرجع شکایت است

دانسته‌اند چون حکومت و فصل دعوی در صلاحیت و شأن حاکم است شارع اسلام بنا بمصالحی در این مورد خاص مقرر داشته که حکومت تفویض بکسانی بشود که اعرف بحال و وضع زن و شوهر هستند و بهتر میتوانند بمنشأ و سبب اختلاف پی ببرند چنانچه در مسالك تصریح شده باینکه مامور تعیین حکم حکام منصوب برای رسیدگی باین قبیل شکایات میباشند. بنا بر نقل صاحب جواهر در کنز العرفان از امامین باقر و صادق علیهما السلام در تفسیر آیه شریفه روایت شده که تعیین حکم وظیفه حکام منصوب میباشد بعضی از فقها گفته‌اند انتخاب حکم با زوجین است زن یکنفر حکم از قبیله خود و مرد هم حکمی از قبیله خود انتخاب میکند این جنید گفته انتخاب حکم بامر حاکم تکلیف زن و شوهر است صاحب جواهر میفرماید بنا بظاهر آیه شریفه و روایات وارده محقق است که تکلیف انتخاب حکم متوجه حکام منصوب است ولی این تکلیف منافات با جواز تعیین حکم از طرف زوج و زوجه ندارد.

دوم آنکه امر بعث حکم در آیه شریفه الزامی است و بمقتضای امر بر حکام منصوب واجب است انتخاب حکم یا آنکه امر ارشادی است و محمول بر جحان و استحباب میباشد در این مسئله نیز دو قول است قول مشهور پر وجوب است چون صیغه امر ظهور در وجوب دارد و علاوه رفع اختلاف بین زن و شوهر واجب است از باب مقدمه واجب بعث حکم نیز واجب است کسانی که امر را ارشادی میدانند استدلال مقدمه واجب را بعدم انحصار رفع شارع بوسیله حکم رد کرده‌اند باین بیان که فصل دعوی بین زن و شوهر بر حاکم امری است واجب ولی وجوب مقدمه در صورتی است که طریقه فصل خصومت منحصر بطریقه حکمیت باشد چون طریقه منحصر نیست و ممکن است بطریق دیگر رفع بشود مقدمه واجب نیست بلکه راجع است.

سوم در صورتیکه بعث و تعیین حکم بنا بر قول مشهور وظیفه حاکم باشد آیارضایت زن و شوهر در انتخاب حکم شرط است یا خیر در این مسئله نیز اختلاف است قول مشهور بر آن است که رضایت زوجین در این صورت شرط نیست زیرا فصل خصومت و حکومت از سیاسات

شرعیه است که در صلاحیت حاکم منصوب است و این وظیفه ایست که از طرف حاکم رجوع بحکمین میشود اکثریت بروایات وارده در باب آنرا در جملة روایاتی که از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده استناد کرده اند .

چهارم اختلاف است بین فقها که دخالت حکمین بعنوان حکومت است یا توکیل منشاء این اختلاف خلافتی است که در بعث حکم ذکر شد بنا بر عقیده کسانی که انتخاب حکم را وظیفه حاکم میدانند دخالت حکمین بعنوان حکومت است بنا بر اعتقاد آنان که بعث حکم را تکلیف زوجین میدانند دخالت حکمین در امر بعنوان وکالت است در اینصورت اختیار حکمین در حدودی است که بآنها تفویض شده است تجاوز از آن از حدود تفویضی جایز نیست ولی بنا بر قول مشهور و ظاهر آیه شریفه از تعبیر بلفظ حکم و روایات وارده دخالت حکمین بعنوان حکومت و سیاست شرعی است و زوجین مکلف باطاعت از رای ایشان میباشند .

این مسئله نیز در کتب فقه اسلامی عنوان شده است که چنانچه رأی حکم بر افتراق باشد آیا مستقلا بدون مراجعه بزوجه حکمین میتواند طلاق بدهند و همچنین در صورتیکه رای آنان بر بذل مالی از طرف زوجه بوده باشد آیا جایز است مستقلا از طرف زوجه بزوجه بذل نمایند نظر اکثریت قریب باتفاق فقها بنا بر روایات وارده در باب براینست که چنانچه ضمن قرار حکمیت تصریح نشده باشد این حق برای حکمین نیست ولی رای حکمین بوسیله حاکم اجرا خواهد شد . با توجه بمفاد آیه مبارکه و روایات وارده و فتاوی فقهای عظام چنین مستفاد میشود که نظر شارع مقدس اسلام در اختلاف زن و شوهر آنستکه در دائره محصور محیط خانوادگی و خویشاوندی و بستگی و وابستگی حل و فصل شود و حتی المقدور در جریان اداری و مراحل قضائی قرار نگیرد غالبا مشاهده شده است که منشاء اینگونه اختلافات داخلی بسیار کوچک و قابل حل است ولی همینکه در جریان اداری و رسیدگی قضائی قرار گرفته در اثر افشای اسرار خانوادگی اختلاف عمیقتر و تیره تر گشته است و لذا چنانچه در لایحه قانون حمایت خانواده

دادگاه موظف می‌شد حتی بدون رضایت زوجین در مراحل اولیه دادخواهی مستقیماً قرار حکمیت صادر و حل اختلاف را بحکم محول نماید موافق با قول مشهور واقرب بصواب و مصلحت می‌بود حتی در دهات دور افتاده که فاصله آنها تا دادگاه بخش زیاد است مرجع رسیدگی با اختلافات زن و شوهر را در صلاحیت خاندهای انصاف قرار میدادند که مستقیماً بطریق حکمیت حل و فصل نمایند در هر صورت موضوع ارجاع اختلافات خانواده بحکم از مقررات ثابتہ دین مقدس اسلام است که با کمال تأسف تاکنون تعطیل و مورد توجه مقامات قضائی نبوده است.

در مقالات بعدی در سایر موارد و جهات ممتاز قانون از جهت فقهی و مقررات

اسلامی بحث خواهیم نمود.



يك مرد برای همسری خود زنی را  
باید انتخاب کند که اگر آن زن يك مرد بود  
بعنوان يك دوست با وی معاشرت می‌کرد.  
ژوبر